

کتاب اسلامی و فرهنگ اطلاعاتی: یک بازنگری*

*نویسنده: پاول ال. هاور

ترجمه: عثمان امینی دانشجوی کارشناسی ارشد
کتابداری و اطلاع رسانی
osman.amini@yahoo.com

چکیده:

این بازنگری، که دومین مقاله در زمینه مطالعه پژوهشی رفتار اطلاع یابی یک گروه ۸۴ نفره از کتابداران مرجع مصر و ایالات متحده است؛ در نظر دارد به خوانندگانی که با تاریخ اسلامی آشنایی کمی دارند، کمک کند تا درک بهتری از تأثیرات دو فرهنگی بر رفتار اطلاع یابی اعراب داشته باشند. تعریفی از سروده‌های شفاهی و پیش از اسلام مقدم تر است از بحث اهمیت سنتهای اسلامی و قرآن در توسعه جامعه کاتب مذهبی. انتقال شفاهی رموز گرچه نتیجه استانداردهای بالا در تولید دست نوشته است، اما از متونی که منجر به شیوه‌هایی در جهت اثبات درستی کارهای عالمانه می‌شود، غفلت می‌کرد. دلایلی که برای مقاومت مسلمانان در برابر نوشتجات چاپی می‌آورند، از وقایع تهاجمات اروپاییها پیروی می‌کنند که سرانجام مراجع اسلامی را راضی به پذیرش چاپ جهت مقابله با فشار استعماری کرد. سالها پیش از ظهور چاپ، مراکز انتشاراتی در مصر و لبنان دیده می‌شد و دلایلی را به منظور پذیرش چاپ سنگی بررسی می‌کنند. پذیرش مطبوعات به وسیله روحانیون مسلمان، نشانه‌های شروع انتشارات مذهبی است. آگاهی (بیداری) عربی جنبشی است که تمام جماعت عربی را به

اجبار متوجه دیالوگ عمومی در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم کرد. نقش مطبوعات در عصر خودگردانی به بحث و گفتگو از اشاعه اطلاعات اخیر در کشورهای عربی منتهی می‌شود. حافظه، زبان (شفاهی)، زبان عربی، به عنوان موضوع زبان‌شناختی، بی‌سوادی و عربی کردن علم و دانش، موضوعاتی هستند که در خاورمیانه مدرن، به منظور انتقال دانش مورد بحث قرار می‌گیرند.

کلید واژه‌ها: رفتار اطلاع یابی، کتابخانه‌های مرجع، کتابهای اسلامی و فرهنگ اطلاعاتی، زبان (شفاهی)، مطبوعات، مطبوعات در خاورمیانه، آگاهی عربی، حافظه، بی‌سوادی، عربی کردن دانش، اشاعه اطلاعات.

مقدمه:

این مقاله بعضی از مطالب دست‌چین شده از نوشتجات کتابهای اسلامی عرب و فرهنگ اطلاعاتی را مورد بحث قرار می‌دهد. بدیهی است که چیزی به پیچیدگی جنبه‌های عمده فرهنگ سراسر جهان از عهده یک مقاله کوتاه خارج است. اما امید است که این بازنگری به عنوان نقطه عطفی به درک بهتر تأثیرات فرهنگی رفتار اطلاع یابی اعراب، کمک کند؛ به ویژه

ادبی کلمات خداوند است و بنابراین به عنوان معجزه ی کامل زبانشناختی مطرح است (پدرسن، ۱۹۸۴). در طول ۲۰ سال نزول وحی الهی، پیامبر علاوه بر انتقال وحی الگوی عقلی شایان تقلیدی برای نظم بخشیدن به امور دنیوی برای نوع بشر از خود نشان داد. توضیحات عقلی پیامبر در این امورات تحت عنوان «سنت» یا احادیث [علاوه بر قرائت آیات قرآنی بر مسلمانان] دارای اهمیت بسیار ژرف و فراگیر در تاریخ کتب عربی می باشند. این توضیحات به عنوان پایه و اساس آموزه‌ها و قوانین اسلامی به کار رفتند و حجم عظیمی از کارهای مجتهدین به تفسیر و شرح این توضیحات اختصاص یافت. همچنین این احادیث از جنبه ی دیگری تأثیری بسیار چشمگیر بر تاریخ دیگر کتب عربی داشتند، به این صورت که به این حقیقت اساسی و مقدماتی نیاز بود تا بدانند که آیا راوی این توضیحات یا احادیث قابل اعتماد یا حقیقی هستند؟ (جعلی نیستند). تنها در صورتی مصدر یا راوی این احادیث قابل اعتماد و موثق بود که از طریق یک واسطه مستقیم بتوان آن را به پیامبر یا صحابی نزدیک وی نسبت داد. بعداً همین اصل و اسلوب برای دیگر کتابها بکار برده شد.

شوق مذهبی، جامعه ی کاتبی را شکوفا کرد تا بالغ بر یک میلیون نسخه خطی نفیس را تولید کنند. ترکیب تقدم یادگیری شفاهی با مقررات سفت و سخت حکومت درباره ی تولید دست نوشته و آموزش، موجب شد تا قدرت اجتماعی طبقات کاتب و روحانی حفظ شود و در حقیقت از فرهنگ بومی حمایت شود.

رموز موجود در دست نوشته های عربی

اسرار و رموزی در دست نوشته های عربی وجود دارد، برخی از افکار عامدانه حذف می شوند، مخصوصاً افکار عارفانه و صوفی منشانه و یا اسراری که در پیرامون این افکار شکل می گرفتند. این اسرار، به همان شکل که در ادبیات رمانتیک و کاراگاهانه ی غربی وجود دارد نیستند، بلکه به شکل اسراری عمیقاً روحی و مرموزانه، شادمانی و فرح ناشی از کشف این اسرار برای محققین و کاوشگران روشنگری که در برخی از آثار زیبا و استادانه خلق شده به وسیله نوع بشر موجود بود، آنها را شیفته ی کشف این اسرار کرده بود. علاوه بر این، این شیوه باعث شد که وضعیت و حالت کلاسهای یادگیری و آموزش، همچنان حفظ گردد. مفهوم حفظ و مخفی کردن اسرار در آیین اسلامی به خاطر حفظ آن از دست رقیبان نیست بلکه بیشتر آن را وظیفه ای مذهبی و دینی می بینند تا فقط آن را برای کسانی بازگو کنند که طالب

برای خوانندگانی که آشنایی کمتری با تاریخ اسلامی دارند. این دومین مقاله از سه مقاله در زمینه مطالعه پژوهشی دو فرهنگی، دو زبانی رفتار اطلاع یابی یک گروه ۸۴ نفره از کتابداران مرجع عمومی و دانشگاهی در آمریکا و مصر است. (هاور، ۲۰۰۶).

بررسی یک جنبه بخصوص از فرهنگهای ویژه در مدل تحقیق چند سطحی، برای مطالعات بین رشته‌ای دو فرهنگی ابزار مفیدی است. به هر حال چنین مطالعه‌ای، با توجه به ماهیت پویای فرهنگ و مخصوصاً زمانیکه انجام مطالعه یک فرهنگ به وسیله یک شخص میسر نباشد، باید موشکافانه و دقیق انجام شود. هر چند که می توان به منابع تحقیق قدیمی دست یافت که در میان گروههای کاملی از مطالعات حوزه تمدن اسلامی، یافت می شوند و در این مقاله بسیار تلاش شده است تا از یک نگرش متعادل و واقعی حصول اطمینان یابد.

گفتار و اشعار پیش از اسلام

در میان سنت هایی که کتابهای عربی پیش از اسلام از آنها تغذیه می کنند، نقش گفتار (شفاهی) بسیار برجسته می باشد که نقطه شروع سنت، با از بر خواندن اشعار در میان قبایلی بدوی صحرائین پیش از ظهور اسلام آغاز می گردد. داستان رشادتهای قبایل به صورت اشعاری در نهایت به زیبایی افسانه وار و پیچیده‌ای بدل می شدند. هر قبیله اشعار مخصوص به خود را دارد: «یک راوی یا خطیب لازم است به تمامی سایه های پنهان معانی در زبان خود مسلط باشد تا بتواند رشادتهای قبیله ی خود را آن گونه که زبانش توانایی به تصویر کشیدن آن را دارد، بیان نماید و لازم است که حجم عظیمی از دانش و آگاهی را در اختیار داشته باشد تا دیگران بتوانند این توانایی را از او یاد بگیرند و به ارث ببرند. (پدرسن، ۱۹۸۴).

قرآن کریم:

قرآن، کتاب مقدس مسلمانان، در اوایل قرن هفتم بر پیامبر (ص) نازل گردید. این کتاب بخاطر زیبایی زبانشناختی و اصالت آن و همچنین برای انتقال شفاهی اش شایان توجه و تقدیر است. نزول وحی قبل از آن که در متون نوشتاری تبلور یابد به صورت شفاهی و گفتاری بود. برداشت و تجربه مسلمانان از قرآن که تا به امروز نیز همچنان ادامه دارد، در اوایل دوران های نزول وحی صرفاً شنیداری بود و تجربه نوشتاری مسلمانان از قرآن فقط در ارتباط با خواندن کلمات قرآن در وضعیت های عادی معنی می یابد. (آیسه، ۱۹۹۵). قرآن از نقطه نظر

در مسجد انجام می گرفت. در چنان ببحوحه ی بالای تحول سنت ها، این انتظار می رفت که خلفای راشدین مقررات سخت و دشواری برای علم وضع کنند؛ تا ذهن ها برای عبور از آن عادت به تیز کردن کنند.

شک و سوءظن نسبت به کتابهای بی اصل و نسب شکل گرفت. روش پذیرفته شده برای اثبات اصالت هم گفتارهای انتقال یافته ی شفاهی و هم متون ضمیمه، امتحان کردن (بررسی کردن) اسناد یا زنجیره ی انتقالها بود. همه می بایست از نویسنده و رابط های پیشین در زنجیره اجازه داشته باشند.

فرایند خراجی «انتشار» با شش دیکته ی عمومی به وسیله ی نویسنده و خوانندگان مختلف بغرنج تر می شد. چون تولید دست نوشته بسیار وقت گیر و منوط به ژرف نگری جدی بود، یک طبقه وراق به منظور مدیریت تمام بخشهای این فرایند، شامل ضبط کردن، غلط گیری کردن و صحافی کردن را به وجود آورد. این وراق ها در سوق بازار - که فارسیها به معنی بازار در انگلیسی می دانند - کار می کردند که ساختمانی در اطراف مسجد بود. راه افتادن فعالیتهای اقتصادی از مسجد برای تار و پود جامعه ی اسلامی مهم بود و بازار، همگرایی انسان مذهبی و خانواده بود.

مقاومت در برابر مطبوعات:

چاپ به محض اختراع، در خاورمیانه ممنوع شد و جوامع مسلمان برای چندین قرن جلوی چاپ نشریات را گرفتند. در آن زمان، قدرتمند ترین حاکم اسلامی سلطان بایزید دوم بود (از حاکمان عثمانی) که در اوایل سال ۱۴۸۵ هرگونه مالکیت مطبوعات و نشریات را ممنوع اعلام کرد و این تصمیم توسط سلطان سلیم اول به طرز شدیدی اعمال گردید (پدرسن، ۱۹۸۴). اولین نشریه در دنیای عرب در سال ۱۶۱۰ در شمال لبنان در معبد مارونایت آنتونی قدیس انتشار یافت که فقط یک کتاب مناجات نامه بود.

عثمانی ها اجازه نشر این کتاب را دادند چون آن را دارای اهمیت نمی پنداشتند و احساس نمی کردند که بر روی مسلمانان آن منطقه تأثیر بسزایی بگذارد.

مسلمانان سعی می کردند که گسترش صنعت چاپ را به تعویق اندازند. عمده بحث آنها بر اساس زمینه ای

و مشتاقان اصلی این اسرارند. «بنابراین قلب انتقال دانش و معلومات در تعالیم اسلام، شیوه ی انتقال شخص به شخص است و بهترین شیوه ی کسب حقیقت و نیل به آن گوش سپردن به خود نویسنده ی آن است» (رابینسون، ۱۹۹۶).

اگر چنینان میراث آثار ادبی خود را در مقایسه با کل جهان به قطراتی از اقیانوس تشبیه می کنند؛ اعراب میراث دست نوشته هایشان را به دانه های بیشماری از زرات شن در بیابان تشبیه می کنند. کتابها حاصل کار پرهیزکاران بودند و دانش آموختگان و سائلی برای تعامل اجتماعی و حفظ پایگاه علمی استادانشان و وسیله ای برای امرار معاش آنها در این دنیا و مایه ی رستگاری در آخرت به حساب می آمدند.

این سنت علمی باعث تولید آگاهی، هنر و نوشته هایی در مورد ایمان گردید و مدخلی برای ورود در اسرار صوفیانه و عارفانه باز کرد. یک گرایش ویژه به سمت کسب علم و آگاهی در زمانهای اولیه ی اسلام در بین مسلمانان تحت عنوان «طلب علم» رایج بود. که آنچه به این گرایش مدد می رساند این تصور و عقیده بود که طلب علم یک عمل اخلاقی و دینی به شمار می رفت. (ابوالفدل، ۲۰۰۱).

علاوه بر کارها و امورات مذهبی، بسیاری از حرفه های حکومتی، قضاوت، آموزش و بسیاری از جوانبی که در زندگی روشنگرانه مسلمانان در آن زمان رخ می داد،



سنتی و منطقی استوار بود که میراث زمانهای گذشته بود، چیزی که از نظر بسیاری از منتقدین غربی دور مانده است.

دمیرسمن در سری مقالاتی به نام (نکاتی در بحث درباره مناقشات موجود بر سر چاپ نشریات) توجه اندکی به این انتقادات کرده است. او این بحث را نادیده می گیرد که مقاومت مسلمانان در چاپ نشریات دلیلی بر ایستایی روشنگری در میان مسلمانان بود و با عبارتی ساده انگارانه می افزاید: مشکل است بتوان آنقدر سطحی فکر کرد که این مورد را تنها دلیل مخالفت مسلمانان با چاپ نشریات بدانیم. (دمیرسمن، ۱۹۵۴). وی به خوانندگان خود یادآوری می کند که با نگرش و دید غربی به فرهنگ شرقی نگاه نکنند و می گوید:

زیبا و دارای احساس و عاطفه ایجاد نماید به گونه ای که در دنیای عرب و بقیه دنیا مورد توجه قرار گیرد. اگر به یاد داشته باشید، حتی گوتنبرگ این ضرورت را احساس کرد که با دستگاه چاپ خودش باید بتوان نوشته هایی را آماده کرد که با دست نوشته های هنری تخصصی اروپایی رقابت کند.

تخمین زده شد که حدود ۸۰۰۰۰ کاتب ممکن است شغلشان را با اجازه چاپ توسط دستگاه گوتنبرگ از دست دهند که منجر به مشکلات اجتماعی جدی و شدید خواهد شد. علاوه بر این، چاپ ممکن بود که به شیوه ی سنتی تمرین و مرور شدید همسالان که در مساجد برگزار می شدند، خاتمه دهد. نهایتاً چاپ نمی تواند جای کاتبانی که با دست می نوشتند را بگیرد که این کاتبان بودند که «علما، سلطان و دیگر مردم را» پرورش دادند و مخالفان صنعت چاپ نمی توانستند استفاده از اشیای فلزی که به وسیله ی مسیحیت وارد سرزمین اسلام شده بود را بپذیرند تا زبان مقدس وحی الهی را برای آنها باز بیافریند (آتیه، ۱۹۹۵). شدت مخالفت روحانیون با افکار دمکراتیک از این امر سرچشمه می گیرد که این افکار محصول دنیای مسیحیت می باشند و یا حتی به عبارت دیگر از دنیای صلیبیون و مهمتر از همه ی اینها، روحانیون می خواستند که مردم را از خطرات کشنده ی بیماری همه گیر هجوم افکار صلیبی محافظت کنند.

با وجود این، سلاطین ترک، دربار «بیداری» که

«خطوط ترسیمی خیابانهای تاریخی شرق و غرب بر اساس درکی ناقص و سوء فهمی آشکار بنا شده است که [اثرات این سوء تفاهمها] به شدت به روابط متقابل این تاریخ سنگینی می کند. این تصور رایج است که غرب مدیون شاعران، فیلسوفان، فیزیکدانها و دیگر متخصصان علوم مسلمان به خاطر انتقال آثار کلاسیک یونانیان به آنها می باشند. یک نکته کنجکاوانه در باره ی علل مخالفت مسلمانان با اجازه نشریات این است که اختراع چاپ در زمانی اتفاق افتاد که دیگر دستاوردهای اختراعات شرق دور در ابتدا توسط اروپائیان پذیرفته شده بود و به آنجا انتقال داده شده بود.

آنچه که در این میان برایشان ممنوعیت نشر قائل بود، نشریات درباره ی باروت، مغناطیس، ابریشم، چینی، عطر سازی و کاغذ بود که برای این موارد دلایل خاص سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک، اخلاقی، اجتماعی، هنری و فرهنگی خود را داشتند.

مسلمانان کتابت کردن به وسیله ی دست را نوعی عبادت می پنداشتند و دست کشیدن از کتابت را نوعی خیانت فرهنگی تلقی می کردند. هر دست نوشته را یک حلقه از زنجیره توریته با گذشته را در حکم سندی که هیچ کس نمی تواند به طور کامل از مبداء اصلی حقیقت ببرد، می پنداشتند. چاپ را تنها نماد الحاد و بی دینی نمی دانستند بلکه خیانتی که قلب تمدن اسلامی را مورد حمله قرار می دهد. از نظر هنری، نوعی از کتابت که قابل انتقال باشد نمی تواند هرگز نقاشی های خلاقانه و



نایلتون بناپارت دستگاه چاپ نشریات و نوع سیار آن را در سال ۱۷۹۸ به مصر آورد. وی متخصص، تاریخدان، جغرافیدان، مهندس، زبان‌شناس و فیزیکدان را همراه خود آورد تا درباره کشور مصر کتابهایی بنویسد. هجوم ارتش‌های خارجی تأثیر پایداری بر روی توسعه صنعت چاپ در جوامع مسلمان نشین گذاشت. اما صنعت چاپ فرانسوی همانند چاپ یهودیت و مسیحیت که قبل از آن رایج بود، تأثیر بسیا کمی بر روی توسعه ی این صنعت در کشورهای مسلمان داشت. صنعت چاپ فرانسه زمینه لازم را برای چاپ روزنامه بولاک علی پاشا در مصر در سال (۱۷۷۰ تا ۱۸۴۴) حدود نیم قرن بعد فراهم نمود. علی پاشا از این روزنامه در جهت برپا کردن دولت مدرن استفاده کرد که امیدوار بود با استفاده از آن نه تنها قدرت کشورهای اروپایی بلکه سلطان عثمانی را نیز در محاق قرار دهد.

لیتوگرافی وسالهای اولیه نشر آن

داستان لیتوگرافی در خاورمیانه بیشتر بیانگر فرهنگ اسلامی این مناطق است. چاپ لیتوگرافیک یک فناوری حد واسط را فراهم می سازد که بر اساس آن بسیاری از مخالفت‌های مسلمانان با صنعت چاپ به تدریج به محاق رفت. لیتوگرافی که در سال ۱۷۹۶ به وسیله باواریان اسنفلدر اختراع شد را می‌توان مطابق میل اعراب دانست.

تکنیک چاپ کردن از سطح مسطحی مثل سطح صاف سنگ باعث شد که مخالفت مسلمانان با صنعت چاپ کمتر گردد اگر چه صنعت چاپ قبل از اختراع لیتوگرافی توانسته بود راه نفوذ خود را به کشورهای مسلمان نشین پیدا کند اما لیتوگرافی باعث شد که مسلمانان آن را با آغوش باز پذیرا شوند.

اعتراض هنرمندان مسلمان به اینکه نقاشی قابل ایجاد کردن به وسیله ی صنعت چاپ سیار نمی‌باشد؛ با اختراع قلم موی لیتوگرافی هم شکست خورد. یکی از موارد قابل توجه دیگر این است که عربها به تفسیر موضوعاتی که در حواشی کتابها به تفصیل نوشته می‌شود بسیار علاقه مندند. این تفاسیر بازآویزهای مختلفی نسبت به متن اصلی نوشته می‌شدند که با حالت بسیار تخصصی و جدی، متفاوت با آنچه که توسط تازه کارها و به صورت نامرتب نوشته می‌شد، نگاشته می‌شدند که به زودی خود به یک هنر و ژانر تبدیل شد. این هنر برای لیتوگرافهای ماهر کار مشکلی نبود.

در طول سالهای اولیه نشر این هنر، اوایل قرن ۱۸ تا اواخر قرن ۱۹، نشریات مربوط به موضوعات علمی و

ممکن است در مردم نسبت به افکار دمکراتیک ایجاد گردد، هیچ واژه ای نداشتند چون حاکمان عثمانی در اوج قدرت خود قرار داشتند و به وضوح به اروپا برتری داشتند: آنها به صنعت چاپ نیازی نداشتند. اروپا در آستانه بیداری «ناشی از رنسانس» و «صنعت چاپ» به عنوان عامل تعیین کننده در این بیداری (همانطور که بعداً باعث شد)، دوران طفولیت خود را سپری می‌کرد. مسلمانان درباره اختراعی که می‌توانست متن قرآن را به طرز شدیدی مورد هجوم قرار دهد، چگونه می‌توانستند فکر کنند و یا حتی می‌توانست بر ضد عقاید آنها به صورت کاملاً متجاوزانه به کار رود.

حملات اروپائیان:

همانطور که تاریخ نشان داد، درحالی که اروپا در حال قدرت گرفتن بود، امپراطوری عظیم عثمانی در حال زوال و انحطاط بود. با افزایش تهدیدات اروپایی تازه به دوران رسیده در مرزهای مستعمرات امپراطوری عثمانی، نهایتاً سلطان عثمانی را برای اجازه دادن به چاپ و نشر در فشار قرار داد. واضح است که به منظور رویارویی مسلمانان با قدرتهای در حال توسعه که از فناوری های تازه مدد می‌جستند، مسلمانان مجبور شدند از این فناوری های جدید به منظور مقابله با دشمنانشان استفاده کنند و به صنعت چاپ نیز به عنوان یکی از مؤثرترین این فناوری ها نگاه می‌کردند.

تاریخ توسعه صنعت چاپ در میان مسلمانان هماهنگ و مقارن با پیشروی کشورهای اروپایی در نواحی عربی و مسلمان نشین بود. اجازه چاپ در سال ۱۷۲۷ اعطاء گردید (در حدود یک سال زودتر از چاپ روزنامه بینامین فرانکلین در فیلادلفیا) اما این بدان معنی نبود که تعصب روحانیون در مخالفت با آیینهای مذهبی کم شده بود و فقط اجازه ی نشر به مواردی محدود می‌شد که درباره ی موضوعات سکولار (دنیوی) بود که این محدودیت تا یکصد سال دوام آورد و حتی پگونه ی غیررسمی بیش از این هم طول کشید، مخصوصاً در بین ملت‌های محافظه کارتر عربی. موضوعات علمی مخصوصاً آنهایی که در امور نظامی مفید بودند، اجازه نشر و چاپ را داشتند.

تهدیدات هجومی ثابت شده بودند که واقعی اند و



در موروکو بین سالهای ۱۸۶۵ تا ۱۹۱۲ روی داده است می توان به راحتی آن را به دخالت مستقیم اروپائیان در امور داخلی موروکو ربط داد تا به گسترش صنعت چاپ (عبدالرزاق، ۱۹۹۰). بعد از سال ۱۹۱۲ موروکو تحت سلطه فرانسه رفت.

بیداری اعراب

تغییرات دارای اهمیت بنیادین در نتیجه رقابت‌های تسلیحاتی مصرانه روی داد. جنبش در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ که جمعیت عربی کشورهای مسلمان را ناچار کرد به گفتمان مردم سالارانه دوران جدید توجه نمایند. در این دوران که به دوره ی بیداری اعراب شهرت دارد، نقش روزنامه نگاران بسیار چشمگیر است. هیچ جایی در دنیای اسلام مانند مصر از نظر فعالیت روزنامه‌نگاری در انگیزش تفکر عموم مردم فعال نبود و نتیجه نهایی روشننگری کاریو (cario) غلبه بر فرهنگ اعراب بود. نویسندگان، روزنامه نگاران و منتشران از مناطق مختلف کشور های عربی از صنعت چاپ جهت گسترش بیشتر تعداد خوانندگانشان سود جستند. مغازه های چای و قهوه خانه ها به مراکزی جهت پخش اطلاعات و اخبار بدل شدند، جایی که آگاهان و تحصیل کرده ها اخبار شفاهی را به گوش طرفدارانشان می رسانند.

مفاهیم تازه‌ای ظهور کرد و تصورات و عقاید کهنه دربارہ جامعه و اجتماع، دولت و فرد دوباره بازتعریف شدند (کلیدار، ۱۹۸۱).

در اواخر قرن ۱۹، لبنان صاحب ۲۰ روزنامه بود اما زمانی که سانسور مطبوعاتی عثمانی شدیدتر شد بسیاری از روزنامه‌نگاران لبنانی به مصر مهاجرت کردند که این مهاجرت، یک تغییر غیر عادی بود؛ چون همواره مطبوعات لبنانی، خصوصی بودند حال آنکه مطبوعات دیگر کشورها تحت مدیریت دولت هایشان بودند.

همگرایی و ملی‌گرایی عمده ی عرب باعث تأثیر پایدار و اثری مضاعف بر افکار عمومی برای مدرنیزاسیون کشورشان گردید.

علاوه براینکه این عرصه به مدرنیست ها واگذار شد، با متولیان امور مذهبی جنبش های بنیاد گرایانه اسلامی روبه رو شدند و همچنین هنگامی که نیروهای استعمارگر اروپایی را از صحنه می‌رانند، مخالفان مذهبی و سکولار

نظامی در کشورهای مصر و ترکیه و لبنان توسط افراد مختلف نوشته می شدند و دولت آنها را منتشر می کرد، اکثراً در مورد مسیحیت بود. مراکز جغرافیایی چاپ و نشر در کشورهای مصر و لبنان که در طول این دوره ایجاد شدند تا به امروز (دنیای مدرن) ادامه داشتند. در لبنان یک رقابت پایدار بین کاتولیک ها و پروتستانها که توسط مبلغین پروتستان پایه ریزی شده بود، باعث دوام صنعت چاپ می شد در حالی که چاپ در مصر وارد دوره های متناوب منع و اجازه دوباره انتشار توسط دولت می شد. این روند بعدها انتشارات دانشگاهی را سبب شد. دانشگاه آمریکایی بیروت (در ابتدا کالج پروتستانهای سوریه نامیده می شد) در سال ۱۸۶۶ بنیانگذاری شد که به تقلید از آن دانشگاه جوزف مقدس کاتولیکها در سال ۱۸۷۴ بنیان نهاده شد که باعث شد کثرت گرایی (پلورالیسم) و همزیستی مسالمت آمیز بین آنها تقویت گردد، رقابتی که هر کدام از طرفین می خواستند در موضوعات خاصی بر دیگری برتر باشد. (آتیه، ۱۹۹۵).

روحانیون چاپ را می پذیرند

به نظر می رسد تغییری در نگرش مذهبی در باره ی صنعت چاپ و نشر در ایران رخ داده باشد. اگرچه روحانیون مایل به پذیرش چاپ و نشر نبودند اما افشار ذی نفوذ، با سواد و مختلف مردم از قدرت و نفوذ چاپ و نشر به عنوان انرژی در جهت گسترش اسلام در قیام تنباکوی ایرانیان در سال ۱۸۹۰ و اندی آگاه بودند، هرچند که در مورد دلایل و علل چنین تغییر و تحولی اطلاعات کافی وجود ندارد. در اواخر همین قرن فروش نشریات مذهبی بسیار بیشتر از دیگر نشریات بود (البین، ۱۹۹۵). وقتی که یک اثر مذهبی در دستان مردم قرار می گرفت همان اثر خود در گسترش و استمرار صنعت چاپ در ایران، مصر و ترکیه مؤثر واقع می شد.

در روزهای اولیه صنعت چاپ در آفریقا، داستاهای عجیب و غریبی از رهبران مذهبی وجود دارد که جایگاهشان به عنوان یک قدرت سنتی در صحرا به مراکز چاپ و نشر روانه شد که از آن به عنوان وسیله ای مؤثر و کارا برای گسترش افکار مذهبی استفاده کردند. امپراطوری مغرب نیز مانند امپراطوری عثمانی تحت فشار فزاینده ی اروپا بود. در سال ۱۸۴۰ و اندی فرانسه، مغرب را در مرزهای العادین در نزدیکی رودخانه ایسلی شکست داد. در حدود ۱۵ سال بعد، اسپانیایی ها به شمال موروکو حمله کردند و کنترل «توان» را به دست گرفتند. عبدالرزاق این نکته را در مورد «موروکو» گفته است: هر وقت که تغییر اقتصادی، اجتماعی و یا سیاسی فاحشی

زیاد کتابهای مذهبی در کشور عربی که در سالهای اخیر منتشر شده اند، متقاعد کننده ترین دلیل و مدرک بر تأثیر سنت بر کتابهای مدرن است.

گسترش اطلاعات و آگاهی های جدید

کشورهای عربی در حال گسترش صنعت نشر محلی، و همزمان با آن، تلویزیون، رایانه و فناوری اینترنت هستند. همچنین برنامه توسعه سازمان ملل این کشورها را برای تولید کافی علم ناتوان در نظر می گیرد. چالشهای زیادی فراروی آنها وجود دارد. کپی غیرقانونی به عنوان معضلی در صنعت چاپ وجود دارد اما سانسور موضوعات به عنوان درد ناکترین مشکل برای ناشرین کشورهای عربی وجود دارد.

اگرچه، کشورهای مسلمان به عنوان بزرگترین جوامعی که خود دست به عمل سانسور می زنند، مدنظرند اما در ریشه یابی علل و عوامل این سانسورها نباید تنها به دنبال دلایل بومی و داخلی رفت. افکار بیگانه هجوم می آوردند و همچنان نیز با خود افکاری که باعث کنترل افکار دیگران می شوند، می آورند.

سنت خواندن شفاهی قرآن در تجربیات اولیه زندگی برای بچه های مسلمان هنوز هم ادامه دارد. این شیوه ی سنتی تمرین کردن یادگیری خواندن قرآن اکنون در مخاطره قرار گرفته است. ستون های دوم و سوم «گزارش توسعه» جوامع انسانی عربی در سال ۲۰۰۳ برای ساختن جامعه ی دانایی محور که جهت گسترش آموزش با کیفیت بالا و بومی سازی علم مورد نیاز است - را مورد توجه قرار داده اند.

انتقادات شدیدی از شیوه ی سنتی حفظ کردن و به خاطر سپردن در آموزش کرده اند. روشها و وسایل بسیاری برای انتقال مفاهیم وجود دارند: سمینار، سخنرانی، کارگاههای آموزشی، کارهای گروهی، کارهای آزمایشگاهی و غیره. در کشورهای عربی شیوه ی سخنرانی کردن بسیار متداول و غالب است. دانش آموزان و دانشجویان می توانند تا حدود کمی سخنرانی کنند اما بیشتر باید حفظ کنند و به خاطر بسپارند و بخوانند و تکرار کنند. ارتباطات موجود در امر آموزشی بیشتر اخلاقی اند و به وسیله یک سری کتاب ها که متن آنها غیر قابل بحث می باشند و دانش و معلومات موجود در این کتاب ها به گونه ای عینی سازی (objectified) شده اند تا حقایق مسلم و غیر قابل اعتراض را در ذهن مخاطبان نشان حفظ سازند و بوسیله پروسه امتحان گرفتن فقط توانایی به خاطر سپردن و حافظه دانشجویان را تست می کنند (فرجانی، ۲۰۰۳).

آگاه بومی این کشورها با هم متحد می شدند و بر ضد نیروهای مهاجم کار می کردند، مثلاً اشغال مصر توسط بریتانیا بعد از سال ۱۸۸۲ - که این خود باعث همگرایی بیشتر اعراب برای رسیدن به پروژه مدرنیزاسیون می شد.

از طرف دیگر، در طول دوره ی مدرنیزاسیون کشورهای مسلمان در خاورمیانه اشخاصی با نگرشهای اروپایی نیز، این روند را تسریع می کردند و همیشه وضعیت به صورت «یا این و یا آن» نبود. (یعنی از بین دونگرش حتماً یکی را انتخاب کردن). مخالفان امپراطوری عثمانی نیز از بسیاری جهات غربی شدن را تشویق می کردند. به عنوان مثال غلبه فرانسه بر لبنان و اشغال این کشور توسط برخی از متفکرین به عنوان مسبب آغازین رنسانس مصری ها بعد از سلطه طولانی مدت ترکها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (تادروس، ۱۹۸۲).

خودمختاری و چاپ

بعد از تغییرات اساسی ایجاد شده در جهان، مطبوعات به عنوان ابزاری ضروری و کارآ در تکمیل استقلال و خودمختاری اعراب و کشورهای مسلمان از سلطه عثمانی ها به کار رفتند. فناوری چاپ در خاورمیانه از اروپا وارد شد اما لزوماً به عنوان ابزاری یا اعلامیه آشکاری (مانیفست) برای غربی کردن کشورها نبود. این مسأله در مورد کشور هندوستان نیز صدق می کند؛ یعنی جایی که مطبوعات به طرز وسیعی در جهت رنسانس هندی فعالیت می کردند. خصلت حکومتی مطبوعات و نشریات مصری باعث شد که این انتشارات به تدریج به سمت و سوی تجارتي شدن این مطبوعات، حتی بعد از آنکه این مطبوعات ملی شدند، نیز پیش رفت (بعد از انقلاب ۱۹۵۲). حتی امروزه که تبلیغات تجاری روز به روز بیشتر می شوند حکومت ها بزرگترین منتشران کتاب و مطبوعات هستند.

نمایشگاههای کتاب سالانه برگزار می شوند. در لبنان، مراکز نشر هنوز بزرگترین مشاغل خصوصی به شمار می روند. هردوی این مراکز، نشر دهنده ی کتابهای مذهبی اند و مرکز انتشاراتی مدرن امروزی در جهت گسترش ایمان اسلامی فعالیت می کنند.

دو مرکز عمده ی نشر مذهبی وجود دارد: یکی نشر [میراث] که اغلب آثار کلاسیک علوم اسلامی را دوباره چاپ می کند و دیگری [دعوه] که تفاسیر روشنفکری فلسفی و پیچیده درباره روح آیین اسلامی و زندگی فرهنگی را منتشر می کند (البین، ۱۹۹۵). شمار

اسلام آخرین و کامل ترین نسخه ی الهام و وحی الهی است که تا به حال بیان شده است و نسخه ی ناقص تر آن آیین یهودیت و مسیحیت است.

وقتی که چاپ به صورت کلی پذیرفته شد نویسندگان دیگر نگران این نبودند که آثار آنها ممکن است در معرض نابودی به خاطر کمبود دست نوشته ها (مانند زمانهای گذشته) قرار گیرند و اهمیت یک شیوه و اسلوب نگارش جدید و فرحبخش، زمانی روشتر شد که نویسندگان فهمیدند که لزوم چنین نگارشی برای تکمیل و یا «کمال بخشیدن» به اثرشان الزامی می باشد. با ایجاد چنین تغییرات اساسی و بنیادین در چگونگی بیان کردن عبارات و اصطلاحات شیوه نگارش، به نظر می رسد که متخصصان زبان عربی این چالش ها را پشت سر گذاشته اند.

حمایت های دولتی و نهادی نیز جهت کمک های مالی به طرحهای علوم اطلاعاتی از قبیل دستگاههای اطلاعاتی بین زبانی که عربی را به عنوان زبان مقصد در نظر می گیرند، مورد نیاز است.

گزارش AHDR2003 برای همکاری با پان عربیسم درخواستی را مطرح کرد که نوستالژی را برای برگشت جوامع عربی به دوره ی طلایی، امپراطور عظیم اسلامی که افکار روشنگری به مشارکت گذاشته می شد، شناسایی و طراحی کند. فراخوانی برای یک سلسله عملیات مؤثر و کارآ جهت ارتقای یادگیری طولانی مدت و چگونگی مبارزه با بیسوادی در دهه ی اخیر انجام شده است که آن را «وظیفه ای برای تمامی کشورهای عرب و سازمانهای عربی مربوطه» نامیده اند (فرجانی، ۲۰۰۳). علاوه بر این غنا بخشیدن به همکاریهای بین اعراب در تحقیق و توسعه باعث هر چه بومی تر شدن علم در این کشورها خواهد شد.

خلاصه و نتیجه

کتاب در دنیای اسلام به عنوان جزئی از یک سیستم چند جزئی از آگاهی و دانش مطرح گردید که در این میان روش انتقال شفاهی و گفتاری برای رسیدن به این سطح از آگاهی و دانش ضروری می نمود. این شیوه ی آموزش فقط برای کسانی مؤثر بود که به دنبال به دست آوردن آن بودند. چاپ بعنوان عاملی مؤثر در از بین بردن شیوه ی آموزش به خاطر سپردن و انتقال شفاهی با شدت زیادی با مخالفت عموم مواجه شد اما در نهایت براین اعتراضها فایق آمد و بسیاری از این مسائل هنوز نیز در جوامع غربی به قوت خود باقی مانده اند و اثراتی را بر روی طرز نگارش کتابها و گسترش اطلاعات و

اگر چه بخاطر سپردن و انتقال شفاهی باعث شده که هسته ارزشهای دینی و فرهنگی محفوظ بماند، اما درباره نقش این شیوه از آموزش در به تعویق انداختن فرایند مدرنیزاسیون در جهان عربی، بحث های زیادی در گرفته است.

تغییر به سمت و سوی شیوه های پیچیده تر تولید علم نیازمند تلاش های جدی است چون سطح بیسوادی در این کشورها بالاست و کتابخانه ها و کتاب های نوشته شده در زمینه های مورد بحث در کشورهای عربی به اندازه کافی توسعه نیافته است. یکی دیگر از مسائل و مشکلات پیش روی این کشورها، مشکل توسعه زبان عربی به عنوان وسیله ای زبان شناسانه برای نیل به نیازهای ارتباطاتی در جامعه اطلاعاتی آینده است. فقدان سیاستی ویژه زبان شناختی در سطح ملی، و عربی سازی علوم متداول روز که کندتر از آنچه انتظار می رفت، انجام می گیرد که این بعنوان معضلی جدی برای زبان عربی مطرح است.

ترجمه ها بسیار ناقص هستند و تئوریهای زبانشناختی ایستا و ثابت می باشند. برای ارتباطات پان عربیسم موضوعات متفاوت با این حقیقت که تنها یک زبان استاندارد و معیار عربی وجود دارد اما لهجه های عربی زیادی وجود دارند که پیچیده تر شده اند. تدریس عربی هیچ استثنائی با تدریس دیگر زبانهای موجود در خاورمیانه ندارد (چنانچه در دیگر کشورهای خاورمیانه نیز) شیوه تدریس بیشتر به صورت حفظ کردن و بخاطر سپردن است. انتشارات الکترونیکی نیز به خاطر فقدان نرم افزارهای عربی پیشرفته بسیار کند پیش می روند و پروژه های در دست اجرا باعث دوچندان شدن تلاشهای موجود می شوند چون هیچگونه تبادل واضح در بین مرزهای موجود این پروژه ها صورت نمی پذیرد (فرجانی، ۲۰۰۳).

علاوه بر این، یک تغییر و تحول تاریخی از پیچیده گی به سمت سادگی در شیوه های نوشتاری اتفاق افتاده است. وقتی که سطح سواد عمومی افزایش یافت و نیاز به آشنایی با زبانهای بیگانه به صورت مقدماتی برای ترجمه ی کارهای علمی افزایش یافت به وضوح معلوم شد که سبک و شیوه ی نگارش متون رمز آلود سنتی غیر منطقی و دشوار است که این خود موجب شد که تمایل به شفاف کردن هرچه بیشتر متون آموزشی بیشتر گردد. همچنین آثار و ادبیات عربی سنتی بیشتر متمایل به این هستند که لغت نهایی در مورد یک موضوع را تولید کنند. البته این پدیده در دیگر فرهنگها نیز مشاهده می گردد و برخی گمان می کنند که در مورد جوامع مسلمان ریشه ی این پدیده در این باور وجود دارد که

و قابل مشاهده نیست. تعصب شدید فرهنگ اسلامی بر روی آموزش تبعات روشنگرانه مسلمانان در حفظ و ابقای هسته‌ی اصلی ارزشهای جوامع مسلمان مؤثر واقع افتاد. با وجود میراث درخشان و سالم موجود در کشورهای مسلمان، آنها قادرند که خود آنچه را که باید از غرب بگیرند و آنچه را که باید کنار بگذارند، انتخاب کنند. سبک و اسلوب شفاهی مسلمانان بسیار کم و ناچیز است

آگاهی برجای می‌گذارند. دنیای اسلام سنتهای ثابت و پایداری را ایجاد کرد که این سنت‌ها خود از حفاظت کردن از نهادهای بنیادین که توانایی حفظ فرهنگ در مقابل فشارهای بی‌امان دیگر تمدن‌ها را داشتند، به وجود آمدند و ریشه گرفتند. تأثیر بسزای چاپ مطبوعات دنیای غرب بر روی غلبه بر سبک و اسلوب شفاهی مسلمانان بسیار کم و ناچیز است

منابع و ماخذ

References

- Abdulrazak, F. A. (1990). **The kingdom of the book: The history of printing as an agency of change in Morrocco between 1865 and 1912.** (Doctoral dissertation, Boston University, 1990) Dissertations Abstracts International, DAI, .51, No.01A: 263
- AHDR (2003). **The Arab Human Development Report 2003 Building a Knowledge Society.** New York: United Nations. G 494 E.UNDP.03.ARAB
- Albin, M. W. (1995). **Book publishing.** Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World. Esposito: 226-229
- Atiyeh, G. N. (1995). **The book in the modern Arab world: The cases of Lebanon and Egypt.** In Atiyeh G.N. (Ed.), *The Book in the Islamic World*, (233-252), Albany N.Y. State University of New York Press
- Demeerseman, A. (1954). **Les données de la controverse autour du problème de l'Imprimerie.** IBLA, 65-66(17): 1-48, 113-140
- Farjani, N. (2003). **The Arab human development report 2003 building a knowledge society.** New York: United Nations Development Programme, Regional Bureau for Arab States
- Hover, P. L. (2006). **Egyptian and American Internet-based cross-cultural information seeking behavior.** Part I: research instrument. *Webology*, 3(4), Article 31. Available at: <http://www.webology.ir/2006/v3n4/a31.html>
- Kelidar, A. (1981). Shaykh 'Ali Ysuf: **Egyptian journalist and Islamic nationalist.** In M. R. Buheiry (Ed.) *Intellectual Life in the Arab East, 1890-1939* (10-20) Beirut: American University of Beirut
- Robinson, F. (1996). **Islam and the impact of print in South Asia.** In N. Crook (Ed.), *The Transmission of Knowledge in South Asia: Essays on education, religion, history, and politics*, (62-97) Delhi: Oxford University Press
- Pedersen, J. (1984). **The Arabic book.** Princeton, N.J.: Princeton University Press
- Schimmel, A. (1995). **The book of life-metaphors connected with the book in Islamic literatures.** In G.N. Atiyeh (Ed.), *The Book in the Islamic World*, (71-92) Albany N.Y.: State University of New York Press
- Tadrus, F. M. (1402/1982). **Printing in the Arab world with emphasis on the Būlāq Press in Egypt.** Offprint from Bulletin of the Faculty of Humanities and Social Sciences 5, University of Qatar: 61-77